

رویکرد نظام کیفری ایران و آمریکا در تقابل با جرایم ارتكابی علیه جغرافیای منطقه‌ای (محیط زیست) توسط اشخاص حقوقی با تاکید بر مسئولیت دولت

شارخ عطایی کشکولی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد،

دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

علیرضا میلانی^۱

استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد اسلامشهر (استاد مدعو واحد شهرکرد)، دانشگاه آزاد

اسلامی، اسلامشهر، ایران

کامران قدوسی

استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

چکیده

حفاظت از محیط زیست جهانی و نظام توسعه را باید بعنوان یک واحد مشترک در جهان پذیرفت و بر اهمیت و مراقبت از آن تاکید جدی و همیشگی داشت. مشکلات محیط زیستی مانند آلودگی هوا، گرم شدن کره زمین، قطع درختان برای مقاصد تجاری و شخصی، نازک شدن لایه اوزون، استفاده عمدی، بی رویه و بی برنامه از آب های زیر زمینی و همچنین منقرض کردن گونه های گیاهی و جانوری نادر، از قبیل این مخاطرات می باشند که آشفته گی های محیطی زیستی را بوجود آوردند و می تواند مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مهمی را برای دولت ها ایجاد نمایند. به همین جهت هم اکنون یکی از نگرانی های اصلی جامعه جهانی، حفاظت از محیط زیست در مقابل اعمال مخرب اشخاص حقوقی مخصوصا دولت هاست زیرا دولت ها عامل اصلی آلودگی محیط زیست می باشند. یافته های این مقاله که با روش تحلیلی-توصیفی و ابزار کتابخانه ای به نگارش درآمده است به ما نشان می دهد که در نظام کیفری هر دو کشور در جرایم زیست محیطی نمی توان دولت را دارای مسئولیت کیفری دانست، اما اشخاص حقوقی را می توان دارای مسئولیت کیفری دانست.

کلیدواژگان: جغرافیای منطقه ای، نظام کیفری ایران، نظام کیفری آمریکا، اشخاص حقوقی، دولت.

مقدمه

اصلی‌ترین عامل ارتکاب جرایم محیط زیستی یا کلا اعمالی که به محیط زیست آسیب می‌زنند توسط اشخاص حقوقی بخصوص دولت‌ها ارتکاب می‌یابد و چون دولت‌ها دارای قدرت هستند و بحث حاکمیت یک کشور مطرح است لذا قانونی تصویب نمی‌شود تا دولت و حاکمیت زیر سوال رود و به شکلی مجازات نمی‌شوند و بعضاً تعهد دولت‌ها در معاهدات و توافقات بین‌المللی نیز دارای عدم ضمانت اجرای مناسبی می‌باشد و دولت‌ها با توسل به این موضوع که اعمالشان در راستای منافع کشور است اقدام به تخریب و آسیب به محیط زیست می‌کنند، اما اشخاص حقوقی حقوق خصوصی در همه دنیا از جمله ایران و آمریکا که دو کشور مورد بحث در این رساله هستند با انجام جرایم زیست محیطی قابلیت پیگرد و مجازات شدن را دارند.

محیط زیست به عنوان بستر رشد و تکامل بشری، پیکر واحدی است که همه اجزای آن به هم مرتبط و پیوسته است و بقا و تکامل انسان مستلزم بقا و حفظ تعادل و تناسب همه اجزای آن است. آلودگی‌ها و تخریب‌های انجام شده توسط انسان نه تنها بطور مستقیم سلامتی و حیات خود او بلکه حیات و موجودیت سایر عناصر طبیعت را نیز تحت تأثیر قرار داده است و در این میان، این خود انسان است که با قوه تفکر و دوراندیشی تنها موجودی است که قادر به ترمیم وضع موجود و جلوگیری از فجایع بعدی است (مهدوی، ۱۳۹۵: ۹۴).

مشکلات محیط زیستی مانند آلودگی هوا، گرم شدن کره زمین، قطع درختان برای مقاصد تجاری و شخصی، کاهش لایه اوزون، استفاده عمدی، بی‌رویه و بی‌برنامه از آب‌های زیر زمینی و همچنین منقرض کردن گونه‌های گیاهی و جانوری نادر، از قبیل این مخاطرات می‌باشند که آشفته‌گی‌های محیطی زیستی را بوجود آوردند (مک کالیون، ۱۳۸۳، ۳۲) و می‌تواند مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مهمی را برای دولت‌ها ایجاد نمایند. وضعیت نگران‌کننده و نا به سامان محیط زیست در کشور در حال توسعه ایران، دلیل اصلی توجهات جدی و رو به افزایش صدمه به محیط زیست و اجزاء آن شامل آب، خاک، هوا و موجودات زنده است که احتیاج به رویکردی جامع و مانع جهت مقابله و اقدامات متناسب همچون پیشگیری در سطح منطقه‌ای را مطرح می‌نماید (burn, 2008:3). طی دهه‌های اخیر، حفاظت از محیط زیست برای هر کشوری به عنوان یکی از ستون‌های امنیت ملی درآمده است که در همین راستا افزون بر اصل ۵۰ قانون اساسی، بند ۱ سیاست‌های کلی محیط زیستی که در آبان ۱۳۹۴ توسط مقام رهبری در جهت اجرای بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و با در نظر گرفتن دغدغه‌های کنونی در این حوزه حساس به رؤسای قوا ابلاغ گردید به اهمیت این موضوع یعنی حفظ محیط زیست و ممنوعیت آسیب‌ها و حق بر محیط زیست سالم برای انسان‌ها پرداخته شده است. اهمیت آن از جایی ظاهر می‌شود که سالانه تعداد زیادی به واسطه‌ی جرایم زیست محیطی کشته می‌شوند و این رقم بسیار بیشتر از میزان کشته شدگان جرایم سنتی می‌باشد (احمدی، ۱۳۹۶: ۳۸).

با توجه به اهمیت حفظ محیط زیست و اینکه از جمله اشخاصی که مرتکب جرایم زیست محیطی می‌شوند اشخاص حقوقی می‌باشند که بطور کلی نسبت به مسئولیت کیفری این اشخاص می‌توان اذعان داشت، از دیرباز این بحث به عنوان یکی از مباحث چالش برانگیز مطرح بوده و تا قرن بیستم پذیرفتن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان یک اصل مورد شبهه قرار گرفته بود تا اینکه از نیمه قرن مذکور و پس از توسعه دامنه فعالیت اشخاص حقوقی علی‌الخصوص شرکت‌ها و پیدایش جرایم علیه محیط زیست، جرایم سازمان یافته، جرایم در

حوزه حمل و نقل و... بعضی از کشورها را مجاب کرد تا در سیاست کیفری خود این اشخاص را به ناچار پذیرفته و در نهایت قاعده مند سازند. نهایتاً حرکت و جوشش پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، نظام کیفری ایران را نیز به خود ملحق ساخت. به طوری که در مرحله اول به طور خاص در حوزه جرایم قاچاق انسان در قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸ و جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ و در مرحله دوم، با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، به طور عام راجع به تمام جرایم تعزیری این مسئولیت مورد پذیرش قرار گرفت.

از آنجا که اشخاص حقوقی بزرگ ترین عامل تخریب و نابودی محیط زیست را دارند و در جرایم مرتبط با آلودگی زیستی اکثر جرایم نه تنها توسط اشخاص حقیقی، بلکه توسط اشخاص حقوقی، شرکت ها و مؤسسات تولیدی، کارخانه ها، صاحبان حرف و مشاغل اقتصادی و تجاری واقع می شوند و هر چند که نقش آنان در این قوانین نادیده گرفته شده است اما مطابق مواد ۱۴۳، ۲۰ و همچنین تبصره ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی، اشخاص حقوقی چنانچه مرتکب جرم شوند دارای مسئولیت می باشند که این ماده عام و کلی را می توان ناظر به جرایم زیست محیطی در مفهوم عام دانست. البته در سیاست کیفری ایران که مجموعه ای منسجم و یکپارچه از تدابیر تقنینی، قضایی و اجرایی در حوزه حقوق کیفری شکلی و ماهوی را در بر می گیرد و با در نظر گرفتن اصول و معیارهای دادرسی عادلانه و رعایت کرامت انسانی، در صدد است تا با کشف و اثبات به موقع و بهینه ی جرم، واکنش کیفری مناسبی اعمال نماید تا با هدف کاهش نرخ جرم نائل آید، در قبال جرایم زیست محیطی به شکل محدود، جزئی و پراکنده، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته است. بعنوان نمونه قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ که در مواد ۱۵ تا ۱۷ خود مسئولیت کیفری را برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته است و آن مجازات نیز جلوگیری دائم یا موقت از فعالیت آنها به دستور یا حکم مرجع قضایی بود که اخیراً قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را افزایش داد و علاوه بر مجازات مذکور، در مواد ۳، ۱۲ و ۱۳ جزای نقدی را نیز برای اشخاص حقوقی در نظر گرفت. اما اصولاً این تدبیرها در قوانین ملی ما ناکافی بوده و با واقعیت های دنیای امروز ما سازگار نمی باشند و با اینکه ایران از جمله کشورهای پیشگام نسبت به قانونگذاری اقدامات حمایتی در حفاظت از محیط زیست بوده اما در کمال تاسف در این باب از بسیاری از کشورها پس افتاده است. و به نظر می رسد سیاست کیفری ایران در این خصوص به خوبی فعال نبوده است. به هر حال گرچه قانونگذار گام مثبتی در این راستا برداشته است اما به نظر می رسد خالی از اشکال هم نیست، زیرا در تبصره ماده ۲۰ قانون اخیرالذکر، دولت را به عنوان مهم ترین شخص حقوقی در موارد اعمال حاکمیت فاقد مسئولیت کیفری دانسته است. نظر به اینکه در کمال تاسف دولت ها که به عنوان بزرگترین اشخاص حقوقی شناخته می شوند، خود این دولت ها مهمترین آلاینده محیط زیست می باشند و در اکثر کشورها، متصدی فعالیت های تجاری بوده و تبدیل به رقیبی برای اندیشه های سبز می شود و همچنین شرکت های قدرتمند دولتی (مانند شرکت های تولید کننده محصولات تراریخته) که در پس لابی های ثروت-قدرت به رفتارهای نافرمانانه محیط زیست اقدام می کنند در همین راستا جا داشت که برای دولت مسئولیت کیفری در نظر گرفته می شد.

رویکرد مفهومی و نظری

محیط زیست

در معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین اساسی بسیاری از کشورها من جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تعریف حقوقی از واژه "جغرافیای انسانی" بیان نشده است. اما در برخی از کتب محیط زیست، تعریف این واژه آمده است. در تعریف کلی از محیط زیست می‌توان گفت، محیط مادی مناسبی که وجود و استمرار حیات انسان و تمامی گیاهان و جانوران منوط به آن است مرکب از آب، هوا و ذرات معلق می‌باشد. در تعریف دیگر، محیط زیست به "محیطی که فرایند حیات را فراگرفته و با آن برهم کنش دارد، تعبیر شده است. محیط زیست، از طبیعت، جوامع انسانی و نیز فضاهایی که با فکر و دست انسان ساخته شده اند تشکیل شده و کل فضای زیستی کره ی زمین یعنی زیست کره (بیوسفر) را فرا می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۸۴: ۲۵).

آلودگی زیست محیطی

اصطلاح آلودگی مشتق از کلمه یونانی پلوتوس است که از معنای ناپاکی گرفته شده است. بنابراین، منظور از آلودگی عبارت است از فرآیندی که باعث افزودن مواد مضر یا کثیف به زمین، هوا، آب، محیط و غیره شده، به طوری که برای استفاده بهینه نامطلوب باشد. اصطلاح آلودگی و یا خسارت آلودگی، اغلب به جای خسارات زیست محیطی استفاده می‌شود، اما می‌تواند مفهوم گسترده تری داشته باشد (Springer, 1977: 550). صدمه به محیط زیست اسناد حقوقی محیط زیست تعریف شده است و شامل همه عوارض جانبی به انسان، مصنوعات او و محیط زیست است (Larson, 2009: 155-156). تغییرات منفی در محیط زیست به علاوه چیزهای خطرناک یا زیان آور، یک تعریف ساده از آلودگی است. در اصول اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ و اعلامیه ریو ۱۹۹۲، تنها اشاره شده است که به منظور حفاظت از محیط زیست باید از "آلودگی" جلوگیری شود، اما هیچ تعریف صریح و روشنی از آلودگی ارائه نشده است. مطابق تعریف EPA «آلودگی» حضور یک ماده در محیط زیست می‌باشد به دلیل این که ترکیبات شیمیایی یا کیفیت مانع کارکرد فرآیند های طبیعی است و اثرات محیط زیستی و بهداشتی نامطلوبی را ایجاد می‌کند (۶). مطابق قانون هوای پاک به عنوان مثال این اصطلاح تغییرات فیزیکی، بیولوژیکی، شیمیایی، تمامیت رادیولوژیکی آب و سایر رسانه های ساخته دست انسان یا ناشی از انسان تعریف شده است. بر اساس سیستم قطع نامه حل و فصل اختلافات در ژاپن آلودگی زیست محیطی شامل موارد زیر است:

۱- در میان تداخل با حفاظت محیط زیستی، آلودگی هوا، آلودگی آب (شامل)، آلودگی خاک، صوت، ارتعاشات، نشست زمین به استثنای نشست ناشی از حفاری زمین می‌باشد و بوهای نامطبوع، آلودگی زیست محیطی تعریف می‌گردد.

۲- موثر بر مناطق گسترده

۳- ناشی از کسب و کار و سایر فعالیت های انسانی

۴- سبب آسیب به سلامت انسان یا محیط زیست می‌شود و ارتباط نزدیکی با سلامت انسان و نیز گیاهان و جانوران دارد که مرتبط با زندگی انسان و غیره هستند (YOSHIDA, 2011: 6).

حقوق محیط زیست دریایی، آلودگی را ورود مستقیم یا غیر مستقیم مواد یا انرژی به محیط زیست توسط انسان می‌داند که اثرات خطرناکی دارد، به شکلی که به ضرر تمام موجودات در دریاست، و حتی برای سلامت انسان نیز خطرناک است.

در همین چارچوب، سازمان همکاری و اقتصادی توسعه آلودگی را این گونه تعریف می کند: «ورود مواد یا انرژی هایی به محیط زیست توسط انسان به طور مستقیم یا غیر مستقیم که در نتیجه اثرات زیان بار آن ها بهداشت انسانی به خطر بیفتد، به منابع زنده و اکو سیستم آسیب برسد، امکانات را مختل کند و یا با دیگر استفاده های مشروع از محیط زیست تداخل داشته باشد». از ویژگی های خاص این تعریف این است که آلودگی اثر مضر باید توسط انسان و با اضافه کردن مواد خطرناک به محیط طبیعی ایجاد شود. لذا آلودگی هایی موجب مسوولیت بین المللی دولت ها می گردد که منشأ انسانی داشته باشد. هم چنین آلودگی محیط زیست بر مبنای تعریف علمی عبارت است از «هر گونه تغییر در ویژگی های اجزای متشکل محیط به طوری که استفاده پیشین از آن ها ناممکن گردد و به طور مستقیم یا غیر مستقیم منافع و حیات موجودات زنده را به مخاطره اندازد». مطابق با تعریف دیگری آلودگی عبارت است از "تغییر نامطلوب در خواص فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی هوا، آب یا زمین". علاوه بر این در تعریف دیگری از آلودگی آمده است که «آلودگی زمانی ایجاد می شود که غلظت یک عامل شیمیایی در محیط، به اندازه ای باشد که باعث واکنش فیزیولوژیکی به وسیله موجودات زنده در نتیجه تغییرات بوم شناختی شود» (مشهدی، ۱۳۸۹، ۲۳-۲۴). بند ف ماده ۲ کنوانسیون نومیا برای حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست منطقه جنوب اقیانوس آرام، آلودگی را این چنین تعریف نموده است: «معنای "آلودگی" توسط انسان، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، اضافه شدن مواد یا انرژی به محیط زیست دریایی (از جمله مصب) است که در نتیجه و یا به احتمال زیاد منجر به اثرات زیان بار به عنوان آسیب به منابع زندگی و حیات دریایی، خطرات برای سلامت بشر، مانعی برای فعالیت های دریایی از جمله ماهی گیری و دیگر استفاده های مشروع از دریا، اختلال در کیفیت استفاده از آب دریا و کاهش امکانات رفاهی معرفی شده است» (NOUMEA CONVENTION, 1986:24).

کنوانسیون منطقه ای حفاظت از دریای سرخ و خلیج عدن در بند ۳ ماده ۱ در تعریف آلودگی دریایی اعلام داشته است: «آلودگی توسط انسان، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، اضافه شدن مواد یا انرژی به محیط زیست دریایی است که اثرات زیان آوری را هم چون آسیب به منابع زنده، خطرات بازماندگی سلامت انسان به فعالیت های دریایی از جمله ماهی گیری، اختلال در کیفیت استفاده از آب دریا و کاهش امکانات رفاهی به دنبال دارد». پروتکل آمادگی، مقابله و همکاری به آلودگی حوادث توسط مواد خطرناک و مضر، ۲۰۰۰ در بند ۱ ماده ۲ در تعریف واقعه آلودگی این چنین اشعار می دارد: «وقوع یا مجموعه ای از وقوع با همان منشاء است، از جمله آتش سوزی و انفجار، که در نتیجه و یا ممکن است در نتیجه تخلیه، رهایی یا انتشار مواد خطرناک و سمی به وقوع بپیوندد و ممکن است تهدیدی برای محیط زیست دریایی و یا خط ساحلی یا منافع مربوط به یک یا چند کشور مطرح نماید، که اقدام اضطراری یا واکنش فوری مورد نیاز می باشد».

در نظام حقوق داخلی برخی کشورها نیز به تعریف آلودگی پرداخته شده است؛ به طور مثال مطابق بند ۴ ماده ۲ قانون حمایت از محیط زیست ویتنام مصوب ۱۹۹۳ آلودگی محیط زیست عبارت از هرگونه تغییر در مختصات محیط زیست و نقض استانداردهای زیست محیطی است. در حقوق هلند آلودگی «به ورود مستقیم یا غیر مستقیم مواد یا انرژی بر اثر فعالیت های انسانی در آب، هوا و زمین گویند، از قبیل انرژی ها، گرما، صدا، ارتعاش و الکترو

مغناطیس‌ها که دارای اثرات زیان‌باری بر سلامتی انسان، کیفیت محیط زیست و خسارت به اموال، میراث فرهنگی، تخریب ارزش‌های زیبا شناختی طبیعت یا مزاحمت با سایر استفاده‌های مشروع از طبیعت باشد. .

ماده ۹ قانون حفاظت و به‌سازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ و ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، این تعریف را از «آلودگی زیست محیطی» ارایه می‌دهد: «منظور از آلوده ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به‌میزانی که ماهیت فیزیکی یا شیمیایی آن را به طوری که برای همه موجودات خطرناک باشد تغییر دهد». ویژگی این تعریف توجه به همه عناصر محیط زیست (انسان و غیر انسان) و رویکردهای طبیعت و انسان محور در این تعریف است. تعریف دیگری که از آلودگی زیست محیطی ارایه شده بیان می‌دارد که «آلودگی عبارت است از هرگونه تغییر در ویژگی‌های اجزاء تشکیل‌دهنده محیط زیست، به طوری که استفاده پیشین از آن‌ها ناممکن گردد و به طور مستقیم یا غیر مستقیم منافع و حیات موجودات زنده را به مخاطره اندازد» (فتایی، ۱۳۸۶، ۲۱۴). این آلودگی‌ها باعث ورود ضرر و خسارت به محیط زیست و مشترکات جهانی می‌شود. به نظر می‌رسد مساله‌ای که در تعاریف فوق مشترک و قابل استنباط می‌باشد این است که آلودگی زیست محیطی، فرآیندی است که تعادل و توازن محیط زیست را برهم زده و آن را دچار تغییر و دگرگونی می‌سازد.

جرم زیست محیطی

باید اذعان کرد که تعریف واحدی از جرم زیست محیطی وجود ندارد و حقوقدانان با استفاده از مصادیق و مواد قانونی اقدام به مشخص کردن ماهیت آن می‌کنند، به طوری که اعتقاد بر این است که جرم زیست محیطی از آلودگی و تخریب محیط زیست تشکیل شده، لذا هر عملی که سبب تخریب و آلودگی محیط زیست شود، جرم علیه محیط زیست می‌باشد (قدسی، ۱۳۹۲: ۲-۵). در این راه این‌گونه عنوان شده که منظور از آلوده ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب، هوا، خاک یا زمین، به‌میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که زیان‌آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد، تغییر دهد.

در رابطه با تعریف جرم زیست محیطی خالی از لطف نیست نگاهی مختصر به سیستم حقوقی آمریکا بیندازیم. در این کشور جرایم زیست محیطی هیچ تفاوتی با جرائم دیگر ندارند. برای اثبات جرایم زیست محیطی همچون دیگر جرایم، مستلزم این هستند که متهم، مرتکب یک عمل ممنوع شده است (قصد فعل) و این کار را نیز با قصد و نیت لازم انجام داده است (عمد در فعل) (Kaplan, 2008: 1-3). بنابراین کنگره دو روش برای تعریف رفتار مجرمانه طبق قوانین محیط زیست دارد، همان‌طور که در سایر زمینه‌های قانون نیز این چنین است. اول اینکه، کنگره می‌تواند تخلفاتی را که به اندازه کافی فاحش هستند و مجازات اخلاقی و اجتماعی و پیگرد کیفری را به همراه دارند، مشخص کند. دوم، کنگره می‌تواند وضعیت روحی یا قصد و نیتی که یک متهم باید داشته باشد تا از لحاظ کیفری مسئول شناخته شود را مشخص کند.

کنگره همچنین روشن کرد که عدم دریافت مجوز برای دفع زباله‌های خطرناک، تخلیه آلاینده‌ها به آب‌های ایالات متحده و ساخت منابع ثابت جدید از آلودگی هوا می‌تواند مسئولیت کیفری ایجاد کند، همان‌طور که نقض مجوزهای صادر شده طبق قوانین محیط زیست می‌تواند چنین مسئولیتی به دنبال داشته باشد. کنگره مجازات بیشتری را برای تخلفات زیست محیطی که دیگران را در معرض خطر قریب الوقوع مرگ یا صدمات جدی بدنی قرار می‌داد در نظر

گرفت. در هر یک از این روش‌ها، کنگره اقدامات قابل توجه و مهمی را به منظور تعیین این که کدام یک از تخلفات نقض قوانین محیط زیست کیفی است، انجام داد.

بنابراین با توجه به تعاریف فوق هر تغییری در محیط زیست آلودگی زیست محیطی به حساب نمی آید و می توان این موارد را جز آسیب های زیست محیطی دسته بندی کرد. لذا اگر بخواهیم عملی را در زمره اعمال آلوده کننده محیط زیست بدانیم باید این تغییر مضر به حال انسان، موجودات یا ابنیه باشد. هم چنین تعریف پیش گفته، محیط را در مبنای بیوسفر که اعم از محیط هوا، خشکی و آب است، در نظر گرفته است. منتها باید توجه باشد، که با توجه به اصل اصله العدم که در این موضع موافق تفسیر مضیق از قوانین جزایی نیز می داشت بر عدم مضر بودن تغییرات به حال انسان، موجودات زنده و گیاهان یا ابنیه است و مدعی مضر بودن این تغییرات، ملزم به اثبات ادعای خود است.

در طرف دیگر تخریب محیط زیست به این معنا آمده که دگرگونی های زیانباری است که در منابع طبیعی روی دهد به گونه ای که سبب شود تا تعادل موجود در طبیعت و نیز تنوع زیستی آن به مخاطره افتد (قاسمی، ۱۳۸۵، ۵۴). لذا در جمع بندی مطلب باید عنوان کرد که هر شخصی مرتکب آلودگی و تخریب محیط زیست گردد و عملش دارای شرایط مد نظر قانونگذار باشد، مرتکب جرم زیست محیطی شده است. در رابطه با جرم زیست محیطی و آسیب های محیط زیست باید عنوان کرد که هر دوی این عناوین در قوانین داخلی کشورمان مورد توجه قرار گرفته اند. در بعضی از قوانین صرفا به آسیب و آلودگی پرداخته شده و مصداق و تعریفی بیان نشده اما در بعضی دیگر قوانین با تقسیم بندی آسیب و آلودگی نسبت به عناصر جان دار و بی جان اقدام شده است. به زبان دیگر اینکه در برخی موارد قانونگذار مصادیق را مشخص کرده اما در برخی موارد این کار را نکرده است و برای هر کدام مجازات متفاوتی را در نظر گرفته است. به طور مثال در ماده ۹ قانون اصلاح قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، هر اقدامی که سبب آسیب و آلودگی محیط زیست شود ممنوع اعلام شده است.

در مواردی نیز میان آسیب محیط زیست و تخریب محیط زیست تفاوت وجود دارد، البته این اختلاف از جهت جرم بودن و یا نبودن آنها نیست، بلکه از حیث تهافتی است که این دو دسته جرائم زیست محیطی از نظر ماهیت زیان های وارده به محیط زیست دارند. قانونگذار در بعضی از متون قانونی و مواد مربوط از واژه «ممنوع» استفاده کرده است و رفتارهای آسیب زا که اصولا جرم زیست محیطی به شمار می روند را همراه با این واژه مورد توجه قرار داده است. در بخشی دیگر از این مقررات نیز بدون آنکه از این واژه نام ببرد و به دنبال بیان اقدامات و رفتارهای آسیب زا که در قوانین و مقررات دیگر از آنها به عنوان جرم زیست محیطی یاد شده است، به تعیین مجازات درباره مرتکب این گونه رفتارها مبادرت نموده است (سالاری، ۱۳۹۷: ۸۳).

جدای از تبیین مفهوم عام جرم زیست محیطی در قوانین و مقررات یادشده، موارد خاص متعددی نیز در این رهگذر مانند آلودگی آب، آلودگی هوا، آلودگی خاک، آلودگی صوتی، آلودگی شیمیایی و هسته ای، آلودگی ناشی از زباله، شکار غیر قانونی و صید غیر مجاز، تخریب منابع طبیعی، آتش زدن اموال و منابع طبیعی و... وجود دارد که قانونگذار درباره آنها در قوانین و مقررات گوناگون به ویژه قانون مجازات اسلامی سخن گفته است و به بیان

تعریف، شرایط، ارکان و... درباره آنها مبادرت کرده که در جای خود بایستی مورد بررسی قرار گیرند(قاسمی، ۱۳۹۵: ۸۵).

لزوم حمایت کیفری از محیط زیست

مقابله با جرایم زیست محیطی از طریق کیفر گذاری عموماً همراه است با صرف وقت و هزینه بسیار زیاد و اثر کم، که همین موضوع نشان دهنده لزوم حمایت از محیط زیست از طرق دیگر علاوه بر مجازات هاست. در این رابطه عده ای اعتقاد دارند که در راستای حمایت از محیط زیست اصلاً نیازی به استفاده از حقوق کیفری وجود ندارد و می بایست که از رشته های دیگر همچون حقوق مدنی و موضوع جبران خسارت بهره برد. عده ای اعتقاد دارند که نمی توان تاثیر قوانین کیفری بر محیط زیست و حمایت از آن را نادیده گرفت، اما چون یکی از بزرگترین مشکلات مربوط به اعمال ضد محیط زیستی فعالیت، مربوط به فعالیت های کارخانجات و موسسات بزرگ صنعتی می باشد، از همین رو برای رسیدن به سر منزل مقصود یعنی مشخص کردن مبانی مربوط به آلوده کردن محیط زیست و موارد مربوط ناچاراً بهترین راه استفاده از قوانین و مقررات اداری خواهد بود و قوانین کیفری که همراه است با مجازات، نقش بسیار کم رنگی دارند که همین تاثیر کم رنگ عموماً با مقررات اداری ادغام می شود.

اگر چه حقوق مدنی می بایست برای موارد اجرایی و حقوقی که با حقوق کیفری در ارتباط هستند؛ مثل توسل به پاسخ‌های مدنی و توجه به اعمال مبتنی بر مبانی پیشگیری بیشتر در نظر گرفته شود؛ اما در هر صورت بدلیل ماهیت خاص خود امکان آن را ندارد که اصلاحات آینده نگرانه و پایدار را که در جهت حفظ محیط زیست باشند ارائه دهد. حقوق مدنی عموماً سدی است بر بی طرفی اخلاقی، لذا ضمانت های اجرایی آن در راستا و هدف مجازات کردن نیست و اصولاً برای جبران خسارات وارد شده است. چنین ویژگی هنگامی که با عمل یا اعمال یک آلوده کننده محیط زیست مزج می شود، توان مشخص کردن این که کدام عمل سبب وقوع جرم شده را ندارد. از همین رو نمی توان نقش مثبت حقوق کیفری را نادیده گرفت. هر چند که توسل به پاسخ های مدنی نسبت به جرایم علیه محیط زیست در نظام حقوقی آمریکا بر عکس کشور ما به وفور یافت می شود(Kaplan,2008:9).

علیرغم اینکه مسئله اصلی در جرایم زیست محیطی، آلودگی یا از بین بردن آن است اما نباید از یاد برد که هدف اصلی، حفاظت از محیط زیست و به دنبال آن حفاظت از محیطی است که در آن زندگی می کنیم. در این راستا حذف مجرم راهکار اصلی نیست زیرا حمایت از محیط زیست به مراتب مهمتر است از حذف مجرم است و اگر چنانچه دریابیم که جامعه و حقوق آن دچار اخلاص شده می توان با اتخاذ اقدامات تامینی پیش از وقوع جرم ، با شخص مقابله کرد. مانند یک کارخانه یا واحد صنعتی که برای دفع پسماند ها، از کاتالیزورهای مخصوص استفاده نکرده ، که چنین واحد صنعتی می توانند در آینده صدمات جبران ناپذیری را به محیط زیست وارد کند از همین رو باید از همان آغاز کار با این واحد در جهت اصلاح سیستم دفع پسماند برخورد کرد. پس از جرم انگاری اعمالی که سبب آلوده شدن و تخریب محیط زیست می شوند ، مقنن باید در مجازات مورد نظر را برای اعمال مذکور تعیین کند. قانونگذار باید با توجه به اهداف مجازات ها، مشخص کند که آیا با مجازات مرتکبین جرائم محیط زیستی به اهداف مد نظر خود خواهد رسید یا خیر و اینکه تا چه اندازه در نیل به اهداف مجازات ها موفق عمل خواهد کرد.

اهداف متنوعی برای مجازات‌ها از سوی حقوق‌دانان مشخص شده است که از جمله مهمترین آن‌ها عبارتند است از: صبغه اخلاقی مجازات‌ها، خاصیت ترسانندگی مجازات‌ها و اصلاح مجرم. در این رابطه برخی حقوق‌دانان خارجی نسبت به مجازات‌های جرائم زیست محیطی چهار هدف را به عنوان هدف عام مجازات‌ها مشخص کرده اند که عبارتند از: حمایت از عموم جامعه، تحمل مجازات و عاقبت عمل، بازسازی و ترسانندگی (John Swaigen & Gail Bunt, 1985:8). دیگر اینکه عموم جرائم مهم با نتایج مضر در ابعاد وسیع که علیه محیط زیست اتفاق می افتد، توسط اشخاص حقوقی همچون کارخانجات و کارگاه‌های صنعتی قدر و بزرگ بوقوع می پیوندد. مثل آلوده کردن دریا ها و رودخانه‌ها به وسیله پساب صنعتی و پراکنده کردن مواد شیمیایی و گازهای سمی ناشی از فعالیت‌های کارخانه در هوا و

تقابل نظام کیفری ایران و آمریکا با جرایم زیست محیطی ارتكابی توسط اشخاص حقوقی و مسئولیت آن ها

با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۱۴۳، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان یک نهاد مورد توجه قانونگذار قرار گرفت، توضیح بیشتر آنکه اولاً مطابق نص صریح ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شخص حقوقی رفتار مادی جرم را از نماینده قانونی خود به عاریت می گیرد (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۶: ۳-۶). بر اساس تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تنها مانع مسئولیت کیفری شخص حقوقی حالتی است که این شخص در مقام انجام اعمال حاکمیت باشد بدین مفهوم که اگر اعمال شخص حقوقی در راستای اعمال حاکمیتی باشد نمی توان برای آن مسئولیت کیفری در نظر گرفت. در نهایت باید عنوان کرد که قانونگذار کشور ما در قوانین و مقررات تدابیر مختلفی از اعم از حقوقی و کیفری پیش بینی کرده است اما باید متذکر شد که متأسفانه نقش اشخاص حقوقی که بزرگترین عامل تخریب و نابودی محیط زیست را دارند در قوانین نادیده گرفته شده است و این درحالیست که مهمترین و خطرناک ترین جرائم توسط اشخاص حقوقی بخصوص دولت ها ارتکاب می یابد. در نظام حقوقی ایران در قبال جرائم زیست محیطی به صورت محدود جزئی و پراکنده در سایر قوانین مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پذیرفته شده است اما قاعدتاً این تدابیر در قوانین ملی ما کافی نبوده و با واقعیت های دنیای امروز همگون نمی باشد و با اینکه ایران از جمله کشورهای پیش رو در زمینه قانونگذاری اقدامات حمایتی در حفاظت از محیط زیست بوده لکن در این مقوله هنوز هم جای کار وجود دارد، به عنوان مثال قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ که در مواد ۱۵ تا ۱۷ خود مسئولیت کیفری را برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته است و آن مجازات نیز جلوگیری دائم یا موقت از فعالیت آنها به دستور یا حکم مرجع قضایی بود که اخیراً قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را افزایش داد و علاوه بر مجازات مذکور، در مواد ۳، ۱۲ و ۱۳ جزای نقدی را نیز برای اشخاص حقوقی در نظر گرفت. یا قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸، برای اشخاص حقوقی که مرتکب جرم آلوده کردن خاک گردند، مجازات هایی مانند تعطیلی دائم، تعطیلی موقت، جزای نقدی، اخطار، جبران خسارت و... پیش بینی شده است. همچنین در ماده ۲۱ که یکی از مهمترین نوآوری های این قانون می باشد انتقال خاک به خارج از کشور ممنوع دانسته شده و مرتکب که حسب مورد شخص حقوقی یا حقیقی است به یک یا دو مورد از کیفرهای تعزیری درجه پنج قانون مجازات اسلامی نیز محکوم خواهد شد.

به هر ترتیب سیاست کیفری ایران در خصوص مجازات اشخاص حقوقی در جرایم زیست محیطی به خوبی فعال نبوده است. به هر حال گرچه قانونگذار گام مثبتی در این راستا برداشته است اما به نظر می‌رسد خالی از اشکال هم نیست، زیرا در تبصره ماده ۲۰ قانون اخیرالذکر، دولت را به عنوان مهم‌ترین شخص حقوقی در موارد اعمال حاکمیت فاقد مسئولیت کیفری دانسته است. نظر به اینکه در کمال تأسف دولت‌ها که به عنوان بزرگترین اشخاص حقوقی شناخته می‌شوند، خود، مهمترین آلاینده محیط زیست می‌باشند و در اکثر کشورها، متصدی فعالیت‌های تجاری بوده و تبدیل به رقیبی برای اندیشه‌های سبز می‌شوند و همچنین شرکت‌های قدرتمند دولتی (مانند شرکت‌های تولیدکننده محصولات تراریخته) که در پس‌لایه‌های ثروت-قدرت به رفتارهای ناقض محیط زیست اقدام می‌کنند در همین راستا جا داشت که برای دولت مسئولیت کیفری در نظر گرفته می‌شد. هر چند که در عرصه بین‌المللی هم مسئولیت کیفری دولت یکی از موضوعات چالش برانگیز بوده است. با اینکه کنوانسیون پالرمو مصوب ۲۰۰۰ که در واقع یک سند بین‌المللی و مورد توافق و اجماع جامعه بین‌المللی می‌باشد برای نخستین بار و صراحتاً در ماده ۱۰ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را مورد پذیرش قرار داده است اما علیرغم پذیرش این مسئولیت، هیچگونه نامی از مسئولیت کیفری دولت‌ها نبرده است که باید اذعان داشت تا همین اندازه روندی رو به ترقی و قابل پذیرش و یک نوآوری در این خصوص نیز محسوب خواهد شد.

در خصوص مسئولیت کیفری دولت در جرایم زیست محیطی، چالش‌های متعددی وجود دارد که باعث مصون ماندن دولت از تعقیب می‌شود. به ویژه این که دولت حسابگر خوبی است و با در نظر گرفتن هزینه‌ها و سودهای ناشی از ارتکاب جرم به این جرایم روی می‌آورد. از جمله مهم‌ترین چالش‌ها در این زمینه در کشور ما عدم پذیرش مسئولیت کیفری در قبال دولت و اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی و خلا ضمانت اجرایی مناسب جهت اعمال نسبت به دولت اشاره کرد که به هرکدام در طول رساله به تفصیل پرداخته خواهد شد. اما در کشور آمریکا مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی دارای مبنای متفاوتی است. بدین شکل که ایالات متحده آمریکا از جمله کشورهایی است که دیدگاه رویکرد مسئولیت محدود را در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مورد تأکید قرار داده است. طبق قوانین ایالات متحده، شرکت‌هایی به عنوان اشخاص حقوقی در نظر گرفته می‌شوند که قادر به ارتکاب جرم هستند. اصل پاسخگویی برتر (پاسخگویی مقامات بالاتر)، شرکت‌ها را به طور کلی مسئول عملکرد کارمندان و نمایندگان تحت کنترل خود می‌کند. بر اساس این اصل، یک شرکت می‌تواند مسئول جرم ارتكابی توسط مدیران آن شرکت باشد و با انجام جرم توسط مدیران، مأموران، کارمندان یا نمایندگانی که در محدوده وظایف متناسب به خود مرتکب جرم می‌شوند و یا آن جرم حداقل تا حدی به نفع شرکت باشد، شرکت مسئول خواهد بود (moore, 2010: 171).

دیدگاه قانونگذار کشور آمریکا نسبت به مسئولیت کیفری دولت به طور کلی بر این استوار است که نمی‌توان دولت را مسئول دانست و آن را مجازات کرد (THOMPSON, 1985: 201-203) اما می‌توان در صورت وجود رابطه سببیت بین رفتار شخصی که در دولت می‌باشد و نتیجه واقع شده‌ی وی را مسئول دانست و مجازات کرد آن هم به اعتبار شخص حقیقی عضو دولت حتی رییس‌جمهور نه به عنوان مجموعه دولت و همچنین اگر افراد از اعمال ارتكابی دولت ضرر ببینند و به نوعی بزه دیده شوند نهایتاً می‌توانند تحت عنوان شکایت مدنی دعوای خود را در دادگاه مدنی مطرح کرده و در خواست جبران ضرر و زیان وارد را کنند آن هم فقط در مواردی که یکی از حقوق

مقرر در قانون اساسی فرد نقض شده باشد نه هر حقوقی، لذا باید عنوان کرد که طبق قانون نمی توان از دولت شکایت کیفری مطرح کرد (Brintnall, 2014: 7-9).

مسئولیت کیفری شرکت ها بیش از یک قرن است که مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است (Bucy, 1991: 1096-1100). در سطح فدرال و در برخی ایالت ها، دکترین مسئولیت کارفرما یا آمر (برگرفته از قانون مسئولیت مدنی) اساس مسئولیت کیفری شرکت ها را تشکیل می دهد. این دکترین، اعمال مسئولیت کیفری بر شرکت ها را برای اعمالی که توسط عوامل آن ها به نمایندگی از شرکت و به نفع آن و در حوزه اختیارات صورت می گیرد را مجاز می داند (Strader, 2011: 16-17) چندین ایالت از ایالات متحده آمریکا، یک رویکرد محدودتر مبتنی بر مدل مجموعه حقوق کیفری اتخاذ کرده اند، که - با توجه به جرم - برای نسبت دادن به شرکت، مستلزم هدایت از سوی یک "عامل مدیریتی عالی رتبه" است (Podgor, 2013, 29) باید ذکر شود که مجموعه قوانین، دفاع از "راستی آزمایی" را برای جرایم با مسئولیت غیردقیق فراهم می کند. این دفاع در صورتی به کار می رود که وکیل مدافع شرکت ثابت کند که عامل مدیریتی عالی رتبه که دارای مسئولیت نظارتی بر موضوع مورد بحث بوده، به منظور جلوگیری از ارتکاب جرم، اعمال پیشگیرانه لازم را انجام داده است.

در نهایت باید عنوان کرد که رویه قضایی موجود بین دادگاه های ایالات متحده این است که آثار ناشی از عمل ارتكابی توسط مدیران و کارمندان شخص حقوقی، گریبان گیر خود شخص حقوقی می شود. در غیر اینصورت، دادگاه ها در هنگام تعیین اینکه آیا مسئولیت شخص حقوقی را از شخص حقیقی مستثنی کنند یا خیر، به بررسی میزان کنترل شرکت بر کارمندان و نمایندگان خود خواهند پرداخت. همچنین هیچ الزامی برای انتساب "عنصر ذهنی (قصد)" توسط شرکت وجود ندارد و بنابراین اهمیتی ندارد که آیا رفتار در سطح خاصی توسط مدیریت، مجاز، تأیید یا حتی محکوم شده است. در رابطه با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در این کشور باید عنوان کرد که اجرای قوانین جزایی زیست محیطی در ایالات متحده تا حد زیادی بر خطای صنفی _ و همراه با آن، پیگرد قانونی شرکت ها و افراد مسئول در آن شرکت ها متمرکز است. همانطور که در زیر با جزئیات بیشتری توضیح داده خواهد شد، موثرترین راه برای مبارزه با جرایم زیست محیطی، پیگرد قانونی هم شرکت ها و هم افراد درگیر در آنهاست. جرائم زیست محیطی اثرات زیانباری در جوامع ما دارند که استفاده از تمام ابزارهای موجود را برای رسیدگی به تخلفات شدید از قوانین زیست محیطی تضمین می کنند. شرکت ها در ایالات متحده از لحاظ کیفری مسئول آن دسته از اقدامات کارمندان و کارگزاران شان هستند که در حوزه اشتغال و کارگزاری شان و به نفع شرکت مرتکب می شوند.

در کشور آمریکا نیز مواد مختلفی در قوانین در راستای حفاظت از محیط زیست به تصویب رسیده است. بر اساس قوانین مرتبط با جرایم زیست محیطی در این کشور، با توجه به آسیب های بالقوه و رفتارهای غیرقانونی ذاتی در جرایم زیست محیطی، هم شرکت ها و هم افراد باید به هنگام وقوع جرم زیست محیطی پاسخگو باشند البته نکته در این جاست که همانطور که قبلاً گفته شد در این کشور نیز دولت مسئولیت کیفری در هیچ جرمی ندارد. وزارت دادگستری ایالات متحده این اصل را به رسمیت می شناسد و در راهنمایی خود برای دادستان ها تصریح می کند که هیچ گزینه مضاعفی بین پیگرد قانونی شرکت ها و پیگرد قانونی افراد به دلیل جرایم زیست محیطی و دیگر اعمال

نادرست شرکت‌ها وجود ندارد و به زبان ساده تر می‌توان هر دوی این اشخاص را همزمان تحت پیگرد قرار داد و به اصطلاح، پیگرد قانونی یک شرکت جایگزینی برای پیگرد قانونی افراد در درون یا بیرون از شرکت نیست در نهایت باید توجه داشت که امکان محکوم کردن دولت به دلیل ارتکاب جرایم زیست محیطی در این کشور بر اساس قوانین موجود وجود ندارد. لذا به نظر می‌رسد برای مسئول دانستن دولت‌ها در جرایم ارتكابی زیست محیطی راهی جز توسل به اسناد بین‌المللی نمی‌ماند، اما نسبت به اسناد بین‌المللی در این زمینه می‌توان گفت که در راستای کنترل و مقابله با جرایم سازمان یافته از جمله جرایم زیست محیطی، کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بر لزوم پیش‌بینی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و اعمال ضمانت‌اجراهای کیفری بر آنها توصیه و تأکید شده است که می‌توان به برخی از این موارد اشاره کرد. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در قطعنامه ۱۹۹۴/۱۵ (۲۵ جولای ۱۹۹۴) به توصیه‌هایی نسبت به نقش حقوق کیفری در حمایت از محیط زیست تأکید کرده است. در توصیه شماره ۲ مقرر شده است که در کشورهایی که هنوز اصل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را مورد پذیرش قرار نداده‌اند، باید از ایده‌ی تحمیل مجازات به این اشخاص حمایت شود (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۱۳۸: ۱۳۰). چنین توصیه‌ای در کنوانسیون حمایت از محیط زیست به وسیله‌ی حقوق کیفری که در سال ۱۹۹۸ در اتحادیه اروپا به تصویب رسیده در نظر گرفته شده است. بند یک ماده ۹ این کنوانسیون دولت‌های عضو را به تحمیل مسئولیت کیفری علیه اشخاص حقوقی ملزم می‌کند. مطابق این بند: « دولت‌های عضو در صورت ضرورت باید تدابیر مقتضی اتخاذ نمایند تا اعمال مجازات یا اقدامات کیفری و اداری علیه اشخاص حقوقی که از جانب آن‌ها جرایم مندرج در مواد ۲ و ۳ توسط ارکان یا اعضاء یا دیگر نمایندگان آنها ارتکاب یافته است، امکانپذیر گردد»، همچنین بر اساس کنوانسیون استکهلم ۱۹۷۲، مطابق با اصل بیست و یکم کشورها همان‌گونه که بر مبنای منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل و طبق سیاست‌های محیط زیست خود دارای حق حاکمیت برای بهره‌برداری از منابع خود می‌باشند، مسئولند اطمینان حاصل نمایند که فعالیت‌هایشان در حیطه صلاحیت یا کنترلشان به محیط زیست سایر کشورها یا مناطق ورای حدود صلاحیت ملی آنان، صدمه‌ای وارد ننماید این اصول برای جلوگیری از ایجاد صدمات زیست محیطی به سایر کشورها وظایف مثبتی را برای کشورها تعیین می‌نماید و آنها را برای همکاری جهت توسعه حقوق بین‌الملل حفاظت محیط زیست از طرق ملی و بین‌المللی دعوت می‌نماید (میلانی، ۱۳۹۸: ۳۳۵).

در هر صورت با توجه به مطالب گفته شده باید عنوان کرد که، انجام تلاش‌هایی در جهت توسعه مجموعه‌ای از مقررات مؤثر در مورد مسئولیت بین‌المللی با موفقیت‌چندانی مواجه نبوده و بسیاری از حقوق دانان بین‌المللی تلاش نموده‌اند که حیطه مسئولیت و تعهدات دولت‌ها را وسعت بخشند، این گروه در پی اعمال تکالیف شکلی و اجرایی بر دولت‌ها هستند تکلیفی نظیر ارزیابی خسارات و زیان‌های بالقوه محیط زیستی که ناشی از فعالیت‌ها و اقدامات درون مرزی یک کشور به کشور دیگر است و نیز وظیفه مطلع نمودن کشورهای دیگر از فعالیتی که به لحاظ ایجاد خسارات محیط زیستی فرا مرزی تهدید کننده محسوب می‌گردند. اما موفقیت زمانی حاصل می‌شود که منافع مشترک دولت‌ها لحاظ شود زیرا مدیریت و اداره محیط زیست جهانی بستگی به شناسایی و تشخیص این منافع و ساختارهایی دارد که بر مبنای آن منافع استوار گشته باشد (پورهاشمی، ۱۳۹۰: ۸۹). در کشور ما نیز تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی حکم قضیه را در تمام جرایم مشخص کرده و به وضوح اعلام کرده که دولت به و

صورت مطلق مسئولیت کیفری ندارد از همین رو در هنگام ارتکاب جرایم زیست محیطی توسط دولت یا شرکت های دولتی نهایتاً می توان بحث پرداخت خسارت و مسئولیت مدنی را مطرح کرد. با توجه به مطالب یاد شده در این رساله سعی بر این است تا با بررسی مسئولیت کیفری و نقش اشخاص حقوقی بخصوص دولت ها در ارتکاب جرایم زیست محیطی و همچنین سیاست کیفری ایران و آمریکا از حیث تقنینی و قضایی در ارتباط با جرایم زیست محیطی پرداخته می شود. همچنین دلیل انتخاب کشور آمریکا نیز این موضوع بوده که این کشور در صدر کشورهای دنیا در رابطه به جرم انگاری جرایم زیست محیطی و اعمال مسئولیت مدنی در قوانین بسیار زیاد و متنوع می باشد که هر کدام مصادیق مختلف جرایم زیست محیطی و شرایط خاص و مجازات مربوط به خود را پوشش داده است. همچنین در راستای مجازات اشخاص حقوقی مرتکب جرایم زیست محیطی در کشور ما مجازات هایی همچون حبس، مصادره اموال، تعطیل کردن مؤسسه و جرای نقدی به شرح ذیل در نظر گرفته شده است:

در کشور ما با توجه به پرونده های کیفری و رویه قضایی موجود در مورد جرائم علیه محیط زیست ملاحظه می شود که از مجازات حبس بسیار کم استفاده می شود. مخصوصاً در مورد جرائمی که علیه محیط زیست از سوی اشخاص حقوقی (مانند کارخانجات و کارگاه ها) ارتکاب می یابد، بندرت از مجازات حبس استفاده شده است. بحث در مورد مجازات حبس گسترده و وسیع و خارج از گنجایش این مقاله است. در مجموع به نظر می رسد استفاده از حبس برای جرائم کوچک علیه محیط زیست و نیز جرائمی که بر اثر مسامحه و بی توجهی صورت می گیرد مناسب نباشد. شاید استفاده از آن تنها در جرائم مهمی مانند آتش زدن عمدی جنگل ها، تخریب و آلوده سازی وسیع و عمدی محیط زیست و ... قابل توجیه و قبول باشد. همچنین جریمه یا جزای نقدی یکی دیگر از مجازات هایی می باشد که گستردگی آن بیشتر از حبس بوده و در تمامی کشورها متداول می باشد. جریمه عبارت از پرداخت اجباری مبلغی پول به عنوان مجازات به خزانه دولت است. از جمله پاسخ های دیگری که در زرادخانه کیفری کشورهای گوناگون جهان و نیز ایران یافت می شود، جزای نقدی یا جریمه است که درباره آن مطالب گوناگونی بیان شده است و در بیشتر موارد، این پاسخ را بهتر و سودمندتر از پاسخ کیفری حبس دانسته اند (صاحعی، ۱۳۷۱: ۲۲۸).

در قوانین و مقررات زیست محیطی گاهی این پاسخ به صورت جداگانه وضع شده است. گاهی نیز همراه با پاسخ های کیفری دیگر مورد توجه قرار گرفته است مانند جزای نقدی و حبس و یا جزای نقدی و ممانعت از تردد وسیله نقلیه. این به تشخیص دادگاه می باشد که تصمیم بگیرد در هر مورد از حبس یا جزای نقدی و یا اینکه از هر دو نوع مجازات استفاده و مجرم را به تحمل آن محکوم نماید. این مجازات ها از زمان های گذشته نیز وجود داشته، برای مثال جزای نقدی و جلوگیری از حرکت وسیله نقلیه موتوری آلوده کننده، پاسخی بود که در ماده ۲۸ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مورد توجه قانونگذار قرار گرفته بود.

«افرادی که با وسایل نقلیه موتوری آلوده کننده غیرمجاز تردد می نمایند و همچنین کسانی که محدودیت ها و ممنوعیت های موضوع ماده ۷ این قانون را رعایت نمایند به حکم دادگاه صالح به جزای نقدی از پنج هزار ریال تا یکصد هزار ریال بنا بر تعداد سیلندر، حجم موتور، میزان آلودگی و دفعات تکرار جرم محکوم خواهند شد. ضمناً از تردد وسایل نقلیه آلوده کننده مذکور تا رفع موجبات آلودگی جلوگیری به عمل خواهد آمد.» در مجموع به نظر می-

رسد از آنجا که در جرائم علیه محیط زیست، عمدتاً جنبه‌های سودجویی و استفاده‌ی مالی مورد نظر مرتکبین آن‌ها می‌باشد، لذا مناسب است در جهت مقابله و خنثی‌سازی آن، از مجازات مالی، جریمه نقدی استفاده نمود. یکی دیگر از اقسام مجازات‌های مالی، مصادره اموال می‌باشد. مصادره اموال عبارت از ضبط تمام یا قسمتی از اموال محکوم علیه به نفع دولت است. این مجازات مغایر اصل «شخصی بودن مجازات‌ها» بوده و اگر شامل همه اموال شود، بیش از جریمه موجب اختلال نظم و معیشت خانواده محکومین می‌شود. در مقررات کیفری مربوط به محیط زیست کشور ما، موارد مصادره‌ی اموال، به عنوان مجازات چندان به چشم نمی‌خورد. لیکن در برخی مواد قانونی به مصادره‌ی ابزار و وسائل ارتکاب جرم مانند وسائل صیادی و یا تفنگ و تیر شکاری و ... اشاره شده است. به نظر می‌رسد در جرائم علیه محیط زیست، مصادره‌ی اموال، مجازات مناسبی نباشد. و در صورت انتخاب مجازات‌های مالی، بهتر است از همان جزای نقدی استفاده شود.

تعطیل کردن مؤسسه که یکی از انواع مجازات‌های تکمیلی است، عبارت از بستن مؤسسه‌ای است که در آن و به مناسبت آن، بعضی از جرائم ارتکاب یافته باشد. با توجه به اینکه بسیاری از جرائم مهم علیه محیط زیست از سوی شرکت‌ها و مؤسسات و کارخانه‌ها و کارگاه‌ها صورت می‌گیرد و همراه با قصد سودجویی و صرفه‌جویی در هزینه‌ها می‌باشد، لذا تعطیل نمودن واحدهای آلوده کننده محیط، یکی از ابزار مؤثر و مفید در جهت مقابله با فعالیت‌های مخرب علیه محیط زیست و جلوگیری از آلودگی می‌باشد.

اگر واحدهای آلوده کننده بیند در اثر آلودن محیط زیست، کارگاه آن‌ها تعطیل شده و متحمل خسارات زیاده‌تر می‌شوند، طبیعی است که تلاش خواهند نمود، حداقل در جهت تحقق همان اهداف اصلی خویش یعنی سودجویی و کسب درآمد و یا جلوگیری از ضرر، از آلودن محیط زیست خودداری نمایند. با این استدلال بدیهی است، اگر واحدهای آلوده کننده دریابند که خسارات ناشی از تعطیلی مؤسسه کمتر از سودهای حاصله می‌باشد، ممکن است همچنان به آلودن محیط زیست ادامه دهند. البته این امر در مورد تعطیل کردن موقت مؤسسات صادق می‌باشد. در مقررات زیست محیطی کشور ما نیز به سازمان حفاظت محیط زیست در موارد بسیاری اجازه داده شده است رأساً یا از طریق مراجع قضایی نسبت به تعطیلی دائم یا موقت واحدهای آلوده کننده محیط اقدام نماید. البته نباید فراموش کرد که به کارگیری این نوع مجازات فقط در مورد اشخاص حقوقی می‌تواند مصداق داشته باشد و در مورد اشخاص حقیقی که مرتکب جرائم زیست محیطی می‌شوند، باید از سایر انواع مجازات‌ها استفاده نمود.

نتیجه گیری

حفظ محیط‌زیست و اهمیت آن بیش از پیش در دنیای امروز آثار خود را نشان می‌دهد و به تبع آن ایجاد تحول حقوق و تکالیف مربوط به آن چه در حقوق داخلی چه در حقوق بین‌الملل از مسایل بسیار مهمی است که در روزگار ما کارشناسان و محققان داخلی و بین‌المللی را وا داشته است تا در جهت رشد و کمال آن اقدام نمایند. در هر صورت، انجام تلاش‌هایی در جهت توسعه مجموعه‌ای از مقررات مؤثر در مورد مسئولیت بین‌المللی با موفقیت چندان موافق نبوده و بسیاری از حقوقدانان بین‌المللی تلاش نموده اند که حیطه مسئولیت و تعهدات دولت‌ها را وسعت بخشند. با توجه به این امر و با لحاظ گرایش مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها از حوزه «مسئولیت کیفری» به حوزه «مسئولیت مدنی» و همچنین با مدنظر قرار دادن این مسأله که جبران خسارات در عرصه محیط‌زیست به لحاظ ارتباط مستمر آن با حیات انسان‌ها، بعضاً مشکل به نظر می‌رسد از این رو الزام دولت‌ها به رعایت اصل

«پیشگیری و احتیاطی» می‌تواند راهکار مناسبی برای جلوگیری یا دست کم کاهش آلودگی‌ها و تخریب فرا مرزی محیط‌زیست محسوب گردد. مردم و شهروندان نیز می‌توانند با تعقیب حقوق قانونی خویش و مطالبه خسارت از سئولان دارای تقصیر، در مقام استیفای حقوق قانونی خویش برآیند و حق شکایت و تعقیب قانونی مراتب و مطالبه کلیه خسارات وارده، برای تمامی شهروندان در این رابطه، محفوظ است، تا بلکه از این پس، سرمایه گذاران و مسئولان آلودگی محیط زیست، ضمن شفاف‌سازی علل اصلی آلودگی به جهت تولید و مصرف محصولات فاقد استاندارد و تولید و مصرف سوخت‌های آلاینده محیط‌زیست و مخرب سلامت عمومی شهروندان و جهات اصلی موجبات تخریب محیط‌زیست شهر و کشور و مانند آنها، در مقام بحران مدیریت محیط‌زیست و برآمده و اینگونه نسبت به حیات و سلامت مردم و شهروندان بی‌تفاوت یا بی‌توجه نبوده و به هشدارهای مستمر و مکرر کارشناسان، حقوقدانان و فعالان حوزه محیط‌زیست و حقوق شهروندی مردم بی‌اعتنا نباشند.

در نظام کیفری ایران و آمریکا مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جرایم زیست محیطی مورد تایید قرار گرفته است اما دولت و مسئولیت کیفری آن از این موضوع مستثنا شده است به نحوی که در کشور ما دولت در هنگام اعمال حاکمیت مسئولیت کیفری ندارد و در کشور آمریکا هم دولت مطلقاً مسئولیت کیفری ندارد

به نحوی که دیدگاه قانونگذار کشور آمریکا نسبت به مسئولیت کیفری دولت به طور کلی بر این استوار است که نمی‌توان دولت را مسئول دانست و آن را مجازات کرد اما می‌توان در صورت وجود رابطه سببیت بین رفتار شخصی که در دولت می‌باشد و نتیجه واقع شده وی را مسئول دانست و مجازات کرد آن هم به اعتبار شخص حقیقی عضو دولت حتی رییس جمهور نه به عنوان مجموعه دولت و همچنین اگر افراد از اعمال ارتكابی دولت ضرر ببینند و به نوعی بزه دیده شوند نهایتاً می‌توانند تحت عنوان شکایت مدنی دعوی خود را در دادگاه مدنی مطرح کرده و در خواست جبران ضرر و زیان وارد را کنند آن هم فقط در مواردی که یکی از حقوق مقرر در قانون اساسی فرد نقض شده باشد نه هر حقوقی، لذا باید عنوان کرد که طبق قانون نمی‌توان از دولت شکایت کیفری مطرح کرد.

منابع

احمدی، اصغر، خسرو شاهی، قدرت الله و شاملو، باقر (۱۳۹۶)، حمایت کیفری از محیط زیست شهری در حقوق کیفری ایران، مجله اقتصاد شهری، دوره ۲، شماره ۲

پورهاشمی، سیدعباس، موسوی، مریم السادات (۱۳۹۰)، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق محیط زیست، دانشنامه حقوق و سیاست، ش ۱۵، ۱۳۹۰

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC) (1387)، رهنمودهای تقنینی جهت اجرای کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد، ترجمه حمید بهرمند بگ نظر، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
سالاری، ابوذر، میرخلیلی، محمود (۱۳۹۷)، تحلیل مبانی قرآنی جرم‌انگاری زیست محیطی، فصلنامه مطالعات قرآنی، ش ۳۶

شیخ الاسلامی، عباس (۱۳۹۶)، مبانی تحولات قانونی در قلمرو مداخله کنندگان در ارتكاب جرم، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ۸، ش ۱

- صانعی، پرویز(۱۳۷۱)، حقوق جزای عمومی، تهران: نشر گنج دانش
- فتائی. ابراهیم(۱۳۸۶)، مقدمه ای بر شناخت محیط زیست، چاپ اول، اردبیل، انتشارات مهد تمدن
- قاسمی، ناصر(۱۳۸۴)، حقوق کیفری محیط زیست، انتشارات جمال الحق، چ دوم
- قاسمی، ناصر(۱۳۹۵)، حقوق کیفری محیط زیست، تهران، انتشارات خرسندی
- قاسمی، ناصر(۱۳۸۵)، مبانی تحقق جرائم زیست محیطی، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوقی، ش ۴۱
- قدسی، ابراهیم، گلدوزیان، حسن(۱۳۹۲)، تبیین جرم آلودگی محیط زیست با تأملی بر ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، راه وکالت، ش ۹
- مشهدی، علی(۱۳۸۹)، ترمینولوژی حقوق محیط زیست، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی
- مک کالیون، کنت(۱۳۸۳)، اجرای عدالت درباره محیط زیست بین المللی: حقوق و راه حل ها، ترجمه محمد حسین زاهدین لباف، مجله حقوقی، شماره ۳۱
- مهدوی، محمود و علی نژاد، آذر(۱۳۹۵)، دموکراسی محیط زیست؛ رویکرد مشارکتی در پاسخ به آسیب های محیط زیستی، نشریه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۳، شماره ۱
- میلانی، علیرضا، حاجی قاسمی محمد(۱۳۹۸)، نقدی بر رویکرد نظام کیفری ایران درقبال جرایم علیه محیط زیست (جغرافیای انسانی) با نگاهی بر کنوانسیون های بین المللی، فصلنامه جغرافیا(برنامه ریزی منطقه ای)، دوره ۱۰، ش ۱، پیاپی ۳۷

Brintnall, Kent, Instructions for Civil Rights Claims Under Section 1983, published by Office of Staff Attorneys United States Court of Appeals for the Ninth Circuit, Washington, 2014

Bucy, Pamela; 1991 Corporate Ethos: A Standard for Imposing Corporate Criminal Liability, Minnesota Law Review, vol 75, no. 4, pp1096-1100

burn, r. c., iynch, m. j., & stretesky, environmental law, crime, and justice: an introduction new York: LFB scholarly publishing. 2008

C Redgwell, Compensation for Oil Pollution Damage, Quantifying Environmental Harm, Marine Polic, discussing pollution as damage. 1992

Environmental Dispute Resolution System in Japan, Mitsuhsisa YOSHIDA Examiner Environmental Dispute Coordination Commission, government of Japan, 2011

John Swaigen & Gail Bunt. "Sentencing in environment" Case protection of life. Canada. 1985

Kaplan, John, et al., Criminal Law: Cases and Materials 103, 6th ed, 2008

Larsson, Marie Louise, "Legal of the Environment and Environmental Damage". Estokholm Institute Law 1957-2009

Moore, Michael; Act and Crime: The Philosophy of Action and Its Implications for Criminal Law, first edition, New York: published by Oxford University Press, 2010

NOUMEA CONVENTION FOR THE PROTECTION OF THE NATURAL) RESOURCES AND ENVIRONMENT OF THE SOUTH PACIFIC REGION, Noumea 24 November 1986

Podgor, Ellen; Henning, Peter; Isreal, Jerold; King, Nancy; White Collar Crime, first edition, Eagan (Minnesota- usa): West Academic Publishing, 2013

Protocol on Preparedness, Response and Co-operation to Pollution Incidents by Hazardous and Noxious Substances, 2000

Regional Convention for the Conservation of the Red Sea and Gulf of Aden environment (Jedaa Convention), 1982

Springer, A L, Towards a meaningful concept of pollution in international law, International and Comparative Law Quarterly, Vol 26 1977, et seq (hereinafter Springer, 1977)

Strader, Kelly, Understanding White Collar Crime, third edition, New York: published by Lexis Nexis, 2011

THOMPSON, DENNIS, CRIMINAL RESPONSIBILITY IN GOVERNMENT, Nomos, Vol. 27, CRIMINAL JUSTICE ,1985